

نگاه آسیایی در روابط معاصر ایران و ژاپن*

سید عباس عراقچی**

چکیده

اگرچه روابط دیپلماتیک دو کشور ایران و ژاپن به طور رسمی از سال ۱۹۲۹ میلادی (۱۳۰۸ خورشیدی) آغاز شده است، اما تبادل فرستادگان سیاسی از سال‌ها قبل انجام می‌پذیرفت. در طول بیش از یکصد و سی سال روابط میان ایران و ژاپن، فرستادگان و مقامات متعددی در سطوح مختلف به دو کشور سفر کرده و هیئت‌های گوناگونی تبادل شده‌اند که به طور طبیعی برخی از این سفرها تاثیرگذارتر بوده و برخی فرستادگان نقش تعیین‌کننده‌تری در روابط دو کشور ایفاء کرده‌اند. مطالعه سفرنامه‌ها و خاطرات ژاپنی‌ها و ایرانی‌ها از یکدیگر، به ویژه خاطرات دیپلمات‌ها و فرستادگان سیاسی آنها نکات آموزنده فراوانی را برای پژوهشگران روابط ایران و ژاپن دارد. از جمله مهم‌ترین نکاتی که در این خاطرات مشهود است نگاه نسبتاً ثابت مقامات و سردمداران دو کشور به یکدیگر به عنوان دو کشور «آسیایی» بوده است که در طول زمان، علی‌رغم فراز و نشیب‌های سیاسی و بین‌المللی تغییر چندانی نیافته است. در این نوشتار تلاش شده است تا با واکاوی یافته‌ها و دستاوردهای برخی از تاثیرگذارترین فرستادگان، ماهیت این «نگاه آسیایی» موشکافی گردد.

واژگان کلیدی: ایران، ژاپن، روابط معاصر، نگاه آسیایی

در سال ۱۳۸۸ش، هشتادمین سالگرد برقراری روابط رسمی دیپلماتیک بین ایران و ژاپن جشن گرفته شد و امسال هشتادمین سالگرد تاسیس سفارت ایران در توکیو است. اگرچه روابط دیپلماتیک دو کشور در دوران معاصر از سال ۱۳۰۸ش. / ۱۹۲۹م. آغاز شده است، اما سابقه تعاملات بازرگانی و فرهنگی بین دو ملت در حقیقت به بیش از هزار سال قبل بازمی‌گردد. روزگاری که ایران و ژاپن در دو انتهای جاده ابریشم نقش ارزنده‌ای را در شکوفایی فرهنگ و تمدن آسیایی ایفاء می‌نمودند. آثار گوناگون موجود، از دست‌ساخته‌های ایرانیان که هم اکنون، زینت‌بخش بسیاری از موزه‌های ژاپن است، گواه این مدعاست. بسیاری از خاورشناسان، عصر ساسانی را دوره اوج انتقال فرهنگ و تمدن ایرانی به ژاپن می‌دانند.^۱

در طول بیش از یکصد و سی سال روابط ایران و ژاپن، فرستادگان و مقامات متعددی در سطوح مختلف به دو کشور سفر کرده و هیئت‌های گوناگونی تبادل شده‌اند که به طور طبیعی برخی از این سفرها تأثیرگذارتر بوده و برخی فرستادگان نقش تعیین‌کننده‌تری در روابط دو کشور ایفاء کرده‌اند. مطالعه سفرنامه‌ها و خاطرات ژاپنی‌ها و ایرانی‌ها از یکدیگر، به‌ویژه خاطرات دیپلمات‌ها و فرستادگان سیاسی نکات آموزنده بسیار زیادی را برای پژوهشگران تاریخ روابط ایران و ژاپن دارد. از جمله مهم‌ترین نکاتی که در این خاطرات مشهود است، نگاه نسبتاً ثابت مقامات و سردمداران دو کشور به یکدیگر به عنوان دو کشور «آسیایی» بوده است که در طول زمان، علیرغم فراز و نشیب‌های سیاسی و بین‌المللی، تغییر چندانی نیافته است. در این نوشتار تلاش شده است تا با واکاوی یافته‌ها و دستاوردهای برخی از تاثیرگذارترین فرستادگان، ماهیت این «نگاه آسیایی» موشکافی شود.

^۱ نگاه کنید به هاشم رجب‌زاده، نگاهی به تاریخ و زمینه ایران‌شناسی در ژاپن، در *جستارهای ژاپنی در قلمرو ایران‌شناسی*، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، گردآوری و پاریسی نویسی از دکتر هاشم رجب‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۶۱ - ۷۵، ص ۱.

مشخص نیست که نخستین تماس دیپلماتیک بین ایران و ژاپن دقیقاً چه زمانی رخ داده است، اما ظاهراً ملاقات ناونوبو سامه شیما^۱، سفیر ژاپن در فرانسه، با ناصرالدین شاه در اولین سفر او به اروپا در سال ۱۲۵۲ش. / ۱۸۷۳م. باید نقطه شروع روابط دیپلماتیک مدرن دو کشور باشد.^۲ در دومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا ۱۲۵۷ش. / ۱۸۷۸م. این بار تاکه آکی انوموتو^۳ وزیر مختار وقت ژاپن در دربار روسیه تزاری به ملاقات شاه ایران در سن پترزبورگ رفت و سخن از برقراری رابطه بین ایران و ژاپن به میان آورد که مورد استقبال شاه ایران قرار گرفت. متعاقب این دیدار، اینووه^۴ وزیر خارجه ژاپن یکی از دیپلمات‌های خود به نام ماساهارو یوشیدا^۵ را برای سفر به ایران و بررسی ایجاد روابط سیاسی مأمور نمود که یک افسر ارتش ژاپن به نام فوروکاوا^۶ و پنج بازرگان ژاپنی، یوشیدا را در این سفر همراهی کردند.

سفر یوشیدا و همراهان که نخستین فرستادگان ژاپن به ایران در تاریخ معاصر به شمار می‌آیند، طی سال‌های ۱۲۵۹-۶۰ش. / ۱۸۸۰-۸۱م. در حدود ۱۳۰ سال پیش صورت گرفت. آنها کمی بیش از شش ماه، از تابستان سال ۱۸۸۰م. تا ژانویه ۱۸۸۱م را در ایران به سیر و سفر و دیدار گذراندند. سفرنامه ماساهارو یوشیدا و توصیف‌های او از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن روزگار ایران، اگرچه خالی از اشکال نیست؛ اما جذاب و خواندنی است و به تعبیر دکتر هاشم رجبزاده - که این سفرنامه را به پارسی

¹ Naonobo Sameshima

² Kondo, Nabuaki, "Diplomatic and Commercial Relations with Iran," *ENCYCLOPAEDIA IRANICA*, Volume XIV, Fascicle 5, p550.

³ Takeaki Enomoto

⁴ Kaoru Inoue

⁵ Masaharu Yoshida

⁶ Noboyoshi Furukawa

برگردانده است - «خواننده این کتاب با مردی صاحب‌دل و با احساس و دوستدار زیبایی همسفر است».^۱ (رجب‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۴)

یوشیدا، طی مأموریت خود دو نوبت با شاه ایران دیدار و گفتگو کرده است و از ناصرالدین شاه نقل‌قول‌های جالبی دارد. گفتگوی شاه ایران و نماینده دولت ژاپن در نخستین دیدار، نسبتاً طولانی است و موضوع‌های متنوعی هم‌چون فاصله بین دو کشور، نیروی نظامی ژاپن، راه‌آهن در ژاپن، چگونگی مملکت‌داری در آن کشور و اوضاع و احوال سلطنت در ژاپن را دربرمی‌گیرد. ناصرالدین شاه که به قول مورخین، طی هر سفر به اروپا، اندیشه اصلاحات پیدا می‌کرد؛ در گفتگو با یوشیدا به‌ویژه نسبت به نحوه توسعه و پیشرفت ژاپنی‌ها، کنجکاوای بسیاری نشان داده است. او از یوشیدا می‌پرسد:

- شما (در ژاپن) راه‌آهن ساخته‌اید؟ بله ساخته‌ایم.
- این کار به وسیله خارجی انجام شده است یا به دست ژاپنی؟ همه چیز به دست ژاپنی‌ها ساخته شده است.
- چند کیلومتر راه‌آهن ساخته‌اید؟ (یوشیدا توضیح می‌دهد)
- آیا ابزار کار را از کشورهای دیگر آورده‌اید؟ ریل را از خارج خریدیم، اما چیزهای دیگر را خودمان فراهم کردیم.
- شما در ژاپن ماشین‌خانه قطار یا لوکوموتیو می‌سازید؟ در آغاز کار از خارج خریدیم، اما حالا خودمان می‌توانیم بسازیم.

^۱ گفتنی است که بسیاری از نوشته‌ها و ادبیات ژاپنی در خصوص ایران، از جمله خاطرات و سفرنامه‌ها، به همت جناب آقای دکتر هاشم رجب‌زاده نویسنده و محقق شناخته شده ایرانی در ژاپن گردآوری، ترجمه و پارسی‌نویسی شده، که شایسته قدردانی است. ایشان در سال ۲۰۰۹م. به پاس خدماتش به فرهنگ دو ملت ایران و ژاپن، نشان گنجینه مقدس را از امپراتور ژاپن دریافت کرد.

- (در این کار) به افراد فنی خارجی نیاز دارید؟ اوایل به خارجی‌ها نیاز بود اما

اکنون همه کارها را خود ژاپنی‌ها می‌گردانند. (همان: ۱۸۶)

ناصرالدین شاه سپس از او درباره علائق ژاپن نسبت به ایران سؤال می‌کند و می‌پرسد که آیا همه تجار همراه شما برای بررسی وضعیت بازار ایران به اینجا آمده‌اند؟ و یوشیدا این انگیزه و هدف را تأیید می‌کند. حاکم وقت ایران در نهایت به سفیر ژاپن می‌گوید: «ما در غرب آسیا ساکنیم و شما در شرق آسیا هستید. میان ما از شرق تا غرب آسیا فاصله است. اما هر دومان در اصل، ملت آسیایی هستیم و باید طرح خوبی برای پیشرفت و ترقی کشورهایمان، ایران و ژاپن که هر دو ملت آسیایی‌اند تدبیر کنیم. برای داشتن روابط نیکو، باید با ژاپن تجارت و دادوستد داشته باشیم. از شما می‌خواهم که این تمایل قلبی مرا به امپراتور و یکایک وزیران دولت ژاپن برسانید. لطفاً به آنها بگویید این آرزوی من است». (همان: ۱۸۹)

دومین دیدار یوشیدا با ناصرالدین شاه چند روز پس از دیدار اول و به صورت غیررسمی بود. او تنها با یکی از بازرگانان همراهش به نام یوکویاما^۱ به قصر فراخوانده شد و دو یا سه ساعت با فراغت با شاه صحبت داشت. یوشیدا از مفاد صحبت‌های خود با شاه در این دیدار شرحی ارائه نمی‌دهد، اما فردای آن روز به وی خبر داده می‌شود که شاه به او و یوکویاما نشان اعطا کرده و به بقیه بازرگانان هیئت هم مدال طلا داده شده است.^۲ همچنین ترتیب ملاقات او با یک یک وزیران عمده دولت ایران داده می‌شود.

(همان: ۱۹۱-۱۹۰)

^۱ Magoichiro Yokoyama

^۲ یوشیدا در مورد نوع و درجه نشان‌ها توضیح نداده است، اما فوروکاوا، نفر دوم هیئت در سفرنامه خود آورده است که به یوشیدا نشان درجه دوم و به خود او و یوکویاما نشان درجه سوم تعلق گرفته است (همان، ص ۳۷۹، یادداشت‌ها و افزوده‌ها). نشان اهدا شده به یوکویاما هم‌اکنون نزد نوه او نگهداری می‌شود و نگارنده سال گذشته آن را از نزدیک مشاهده کرد.

حدود بیست سال پس از سفر یوشیدا، ناصرالدین شاه، میرزا علی‌اصغر خان اتابک اعظم را به منظور مطالعه و بررسی بیشتر درخصوص شرق آسیا روانه چین و ژاپن می‌کند. صدراعظم سابق ایران در سفری برای تشریف به حج از راه چین و ژاپن و آمریکا به مکه می‌رود. این سفر با مقصدی غیرمستقیم و مسیری جدید، رفتاری عجیب از یک دولتمرد ایرانی به شمار می‌آید؛ در حقیقت سفر اتابک، سفری سیاسی بود. ظاهراً مقصد مکه برای آن بود که حساسیت قدرت‌های همسایه ایران، یعنی روس و انگلیس برانگیخته نشود، اما مسیر سفر برای کشف دنیای جدیدی بود تا اولویت سیاست و تجارت ایران را تغییر دهد.

علی‌اصغر خان اتابک و هیئت همراه از ۱۲۸۲ ش. / ۹ دسامبر ۱۹۰۳ تا ۶ ژانویه ۱۹۰۴ مقارن با جنگ روس و ژاپن در ژاپن به سر می‌بردند. وی که در سفر خود به دنبال کسب اطلاع از رموز پیشرفت ژاپن بود، علاوه بر امپراتور میجی - که نهضت و انقلاب میجی در ژاپن به نام اوست - با نخست‌وزیر و تعدادی دیگر از مقامات ارشد ژاپن دیدار می‌کند.^۱ کاتسورا نخست‌وزیر ژاپن در دیدار علی‌اصغر خان اتابک با وی در ۱۹ دسامبر ۱۹۰۳ از او می‌پرسد: در زمامداری خود برای اقتصاد چه کرده‌اید؟ و اتابک پاسخ

^۱ مهدی‌قلی هدایت (حاج مخبرالسلطنه) که علی‌اصغر خان اتابک را در این سفر همراهی می‌کرد در سفرنامه خود از گفتگوهای انجام شده در دیدار با امپراتور میجی مطلب خاصی نیاورده است و تنها ظواهر را توصیف می‌کند: «پس از بیست دقیقه احضار شدیم. امپراتور در اطاق جنب تالار که قدری هم تاریک بود جلو صندلی‌ای از چوب فوکل و ظاهراً کار هند ایستاده بود، سربرهنه و چون مجسمه بی‌حرکت ... پادشاه گفت سفارش کرده‌ام که هر جا بخواهید برای تماشا شما را هدایت کنند. منتظرم به شما در ژاپن خوش بگذرد ... تا ما از اطاق خارج نشده بودیم سیخ سر جای خود ایستاده بود. بعد، از در دیگر تشریف بردند. پادشاه، مردی خوش‌اندام و خوش‌سیما بود، چشم و ابرو و موی سیاه داشت. پیچیدگی چشم ظاهر نبود، رنگ بصره سبزه تند بود. قیافه جاذم و جاذب داشت.» مهدی‌قلی هدایت، سفرنامه تشریف به مکه معظمه از طریق چین - ژاپن - آمریکا، تهران، چاپخانه مجلس، بی تا، ص ۱۰۱. دیدار با امپراتور در تاریخ ۱۳ دسامبر صورت گرفته است (همان، ص ۱۰۳) گفتنی است مهدی‌قلی هدایت که قریب به پنجاه سال در صحنه سیاسی ایران بازیگری داشت و به نخست‌وزیری هم رسید از جمله رجال نادر ایران است که حوادث زندگی و اتفاقات کشور را به طور روزانه یادداشت کرده است که امروز به صورت کتاب‌های متعدد، یکی از منابع تاریخ معاصر است. مهم‌ترین اثر او در این زمینه کتاب خاطرات و خطرات است.

می‌دهد «عهدنامه با روس داشتیم و از شروط آن حصر گمرک به صد پنج بود. در گمرک اختیار نداشتیم. اخیراً موفق شدیم با روس قرار تازه بگذاریم. کنت [لقب اشرافی کاتسورا] گفت: ما هم همین گرفتاری را داشتیم و مبتلا به کاپیتولاسیون هم بودیم. عدلیه را مطابق مرسوم اُرُپ [اروپا] ساختیم. قوانین را تنظیم کردیم. قوای نظامی خودمان را تکمیل نمودیم و عهدنامه‌ها را نسخ کردیم. اروپاییان ایرادی نداشتند. سرنیزه را هم می‌دیدند، تمکین کردند». (هدایت، بی‌تا: ۱۰۰) این البته در زمانی است که ژاپن به واسطه توفیقات چشمگیر در جنگ با چین (در سال ۱۸۹۵م.) اعتبار زیادی در دنیا پیدا کرده بود. (رجب‌زاده، ۱۳۶۵: ۳۱۷).

علی‌اصغر خان اتابک همچنین با هیروبوومی ایتو، از رهبران نهضت میجی که نقش اساسی در تدوین نخستین قانون اساسی مشروطه ژاپن داشت و از افراد مورد وثوق امپراتور بود دیدار کرد.^۱ ایتو، اتابک را به نهار در کوشک خود در کنار دریا دعوت می‌کند. اتابک با اغتنام فرصت، پس از نهار صحبتی خصوصی با ایتو دارد و از او می‌پرسد: «دانسته‌ایم که ترقیات ژاپنی نتیجه حسن تدبیر و تعلیمات جناب‌عالی است؟ گفت اینهمه آوازاها از شه بود.^۲ باز اتابک پرسید: از کجا شروع کردید؟ گفت: چون دست

^۱ هیروبوومی ایتو با صدور فرمان امپراتور، مأمور تنظیم قانون اساسی شد. وی در این خصوص تحت تأثیر افکار اندیشمندان اروپایی و به ویژه آلمانی قرار داشت. وی در سال ۱۸۸۲م. همراه با مشاورانش برای مطالعه دست اول نظریه‌های مشروطه اروپایی و طرز کار آن عازم مغرب زمین شد. وی بیشتر وقت خود را در آلمان گذراند و ظاهراً دیدار و گفتگوهایش با بیسمارک به او سخت تأثیر کرده بود. وی در سال ۱۸۸۵م. نخست‌وزیر شد. در سال ۱۸۸۸م. با تشکیل شورای سلطنتی از سوی امپراتور که در واقع اولین مجلس اعیان ژاپن بود و کار آن تصویب قانون اساسی بود نخست‌وزیری را به کورودا کی یوتوکا سپرده و خود نخستین رئیس مجلس شد. نخستین قانون اساسی ژاپن، نهایتاً در ۱۱ فوریه ۱۸۸۹ در مراسم باشکوهی در کاخ امپراتوری توسط امپراتور به نخست‌وزیر تسلیم گردید. (هاشم رجب‌زاده، تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر، ناشر مولف، ۱۳۶۵، ص ۲۶۸ الی ۲۷۱) ۱۱ فوریه هر سال که اتفاقاً مصادف با ۲۲ بهمن است، به عنوان روز ملی در ژاپن هر ساله جشن گرفته می‌شود.

^۲ تعبیر «این همه آوازاها از شه بود» از مهدیقلی هدایت است که در جلسه حضور داشته است. اشاره به شعر مولاناست که: این همه آوازاها از شه بود، گرچه از حلقوم عبدالله بود. ظاهراً منظور این است که ایتو پیشرفت‌ها را به امپراتور میجی نسبت داده است.

بکار زدیم دیدیم مرد کار نداریم. از جوان‌های آزموده به اژپ [اروپا] و آمریکا فرستادیم. در هر شعبه علمی و صنعتی تکمیل شدند. سپس به تشکیلات پرداختیم و هرگونه مدرسه در مملکت ساختیم». (هدایت، بی‌تا: ۱۰۲-۱۰۱)

اتابک بازدیدهای مختلفی از صنایع ژاپن حتی صنایع نظامی دارد. هدایت در سفرنامه خود درخصوص بازدید از بندر نظامی می‌نویسد: «ما را به تماشای کشتی جنگی شینیان بردند، ساخت ژاپن. دو توپ مفرغی بزرگ روی کشتی نصب بود. یکی از صاحب‌منصبان، مارک توپ را بدست پوشید گفت بین این دو توپ چه تفاوت می‌بینید، گفتم هیچ. مارک را آشکار کرد گفت این کار خودمان است و آن ساخت آرم استرانگ انگلیسی. صورتاً فرقی ندارند، عملاً ساخت ما چهل پنجاه تیر بیشتر تاب دارد». (همان: ۱۰۳-۱۰۲)

در یکی از روزهای اقامت اتابک در توکیو، وزیر خارجه ژاپن به دیدار او آمده و خواهان خرید قاطر از ایران برای تقویت سواره نظام ارتش ژاپن می‌شود. در آن سال‌ها، ژاپن به شدت به دنبال تقویت ارتش خود برای جنگ با روسیه بود. کما اینکه هدایت در توصیف امپراتور میچی می‌نویسد: «گفتند هشت سال است که پادشاه در تقاص تصرف روس‌ها پرت آرطور را از قصر خود بیرون نرفته است و آنی از صرافت تدارک بیرون نیست». (همان: ۱۰۱). و در خصوص دیدار وزیر خارجه ژاپن می‌نویسد: «روزی بعدازظهر، وزیر خارجه به هتل آمد. صحبت بیشتر از خرید قاطر بود که آیا می‌شود از ایران عده‌ای استر به‌دست آورد که در ژاپن کمتر پیدا می‌شود؟ همه فکر جنگ روس است و تقاص پرت آرطور. ولوله در شهر نیست جز شکن پشت خصم، فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی روس!». (همان: ۱۰۸)

اتابک در سفر خود از مدرسه نظامی توکیو نیز دیدار کرد. در آن روزها، فضای جنگی در ژاپن علیه روسیه بسیار قوی بود. طوری که آمادگی و شور و شوق مردم و

صاحب‌منصبان برای جنگ، او را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و از اینکه ممکن است با شکست در جنگ، روند پیشرفت‌های آنها لطمه بخورد نگران می‌شود. مخبرالسلطنه هدایت به او می‌گوید: «تصور نمی‌کنم شکست بخورند ... این قوم شکست نخواهند خورد و بی‌گدار به آب نمی‌زنند». (همان: ۱۱۰) هدایت ظاهراً بسیار تحت تأثیر روحیات ژاپنی‌ها قرار گرفته بود. در جای دیگری می‌نویسد: «پس از رفرم و حرارت تجدد در شور اقتباس آداب خارجه غلوی شد. تصور می‌رفت اثری از عادات و رسوم بومی باقی نماند. ژاپنی زود آتش تجددش فرو نشست. دیدند که اخلاق در شرف خرابی است. از صورت به معنی پرداختند و با طرز خود ساختند. تا مزیتی ثابت و ترجیحی معقول نبینند، رسمی را اختیار نمی‌کنند. سادگی زندگی را از دست نداده‌اند. به قول سعدی که ژاپنیان عمل کردند و ما گوش ندادیم: کهن جامه خویش پیراستن، به از جامه عاریت ساختن». (همان: ۱۳۱) سخن هدایت در سفرنامه او و در کتاب‌های دیگرش، سراسر ستایش از ژاپن است. در جای دیگری می‌نویسد: «اشخاص بی‌مایه اول تقلیدی که می‌کنند لباس است و لباس است که عقاید را در مردم بی‌فکر تغییر می‌دهد. مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ. آنچه دیدیم ژاپنی در زندگی خصوصی قدمی از داب و دیدن خود بیرون نرفته است. ... امیدواری‌ای که ژاپنی به مغرب داشت مبدل به یأس شده است، و ژاپن از ژاپنی است ورد زبان، متخصصین اجنبی را عذر خواستند، به آداب خود گرویدند چه از رسوم غیر خیر ندیدند». (همان: ۱۲۴) یا اینکه «... ژاپنی در هیچ فنی محتاج خارجی نیست. جوانانی که به خارج فرستاده‌اند تحت مراقبت سرپرستان، هنر آموخته و ثمر بخشیده‌اند. هیچ یک از اطوار بلووارهای اروپائی به ژاپن سرایت نکرده است و در آداب زندگی داخل نشده است. جز رسم خودشان مد نمی‌شناسند. بیماری‌های تمدن هنوز به ژاپن راه نجسته است». (همان: ۱۱۱) در مجموع، او

خلفیات و منش و رفتار مردم و دولت ژاپن را نمونه تحسین‌برانگیزی برای خود و جامعه و کشور خواهان سعادت یافته است. (رجب‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۵۸)

میرزا علی‌اصغر خان اتابک اعظم، ششم ژانویه ۱۹۰۴ توکیو را با کشتی به مقصد آمریکا ترک می‌کند و مهدی‌قلی هدایت، ۲۲ روز اقامت در ژاپن را از بهترین اوقات مسافرت دور و دراز هیئت اتابک توصیف کرده است. (رجب‌زاده، ۱۳۷۰: ۱۱۲) برداشت خود اتابک این بود که «از ایرانی کسی چنین مسافرتی نکرده است». (همان: ۱۱۴) او در مصاحبه با روزنامه ژاپنی هشی شیمبون می‌گوید «... شکوه ژاپن از جهت طبیعی و اداری اثر سخت نیکو به ما کرد ... صنایع ژاپن بینهایت جالب بود ... ژاپن با قدم جدی که در راه تعالی نهاده است افتخار ممالک آسیایی است». (همان: ۱۰۸)

انقلاب میچی در ژاپن با انقلاب مشروطه در ایران تقریباً هم‌زمان بوده‌اند. انقلاب میچی به نتیجه رسید؛ چرا که ژاپنی‌ها می‌دانستند خود، و بدون سرمایه تحت ارضی، باید ژاپن را بسازند. انقلاب مشروطیت ایران اما ناتوان ماند؛ زیرا منابع نفت، هم‌زمان کشف شد و طلای سیاه ایران مطمح نظر قدرت‌های بزرگ قرار گرفت که خواهان به چپاول بردن آن بودند. ژاپن در سال‌های پس از انقلاب میچی یک دوره آرامش و گذار را طی کرد. اما ایران در تمام این دوره در فضایی پر از التهاب و با دخالت‌های بیگانگان چه به شکل تجاوز سرزمینی و چه سیاست‌بازی دیپلماتیک دست و پنجه نرم کرد. لذا سفر اتابک با وجود تلاطم‌های سیاسی در ایران به نتیجه و سرانجام مطلوب نرسید، اما آثار عمیق خود را بر نیت و نگاه هیئت حاکمه ایران به شرق به عنوان دروازه‌ای جدید برای سیاست و تجارت خارجی ایران، بر جای گذاشت.

پنجاه سال پس از سفر یوشیدا و حدود سی سال پس از سفر اتابک، آکی نو کازاما^۱ که دیپلماتی برجسته، آگاه و اهل علم بود؛ به عنوان نخستین وزیرمختار ژاپن، عازم ایران می‌شود ۱۳۱۱-۱۳۰۸ ش. / ۱۹۳۲-۱۹۲۹ م. وی در دوره سه ساله مأموریت خود در تهران درباره تاریخ ایران و ادب فارسی به مطالعه پرداخت و پس از بازگشت، یادداشت‌های خود را منتشر کرد.

شرحی که او از تشریفات تقدیم استوارنامه خود به شاه وقت ایران در دی ۱۳۰۸ ش. / دسامبر ۱۹۲۹ م. تقریر کرده، خواندنی است. وی چکیده سخنان رئیس حکومت ایران به خود را چنین آورده است: «پیشرفت‌های گرانسنگ ژاپن را می‌ستایم و ژاپن را سزاوار تحسین کشورهای شرقی و آسیایی می‌دانم. ژاپن و ایران از نظر جغرافیایی از هم دورند، اما دل‌های آنها بسیار به هم نزدیک است. ما برای پیشرفت آسیا در هر زمینه، آماده تعاون و تلاشیم. چون این دو کشور رابطه معنوی دارند و باید از هر کشور ثالثی به هم نزدیک‌تر بشوند. این نه فقط به خاطر مناسبات ایران و ژاپن که برای صلح پایدار در مشرق زمین است. مایه خوشوقتی فراوان است که دو کشور ما به افتتاح مناسبات و مبادله سفیر توفیق یافته‌اند». (کازاما، ۱۳۸۶: ۵۵۰) در سفری دیگر که دیدار شاه ایران برای کازاما دست می‌دهد، شاه با انتقاد از غربی‌ها می‌گوید: «من روح و اندیشه ژاپن را عمیقاً ارج می‌نهم. تصور نمی‌کنم که تمدن مادی باختر زمین، امروز به آن گرانسنگی‌ای باشد که غربی‌ها به آن می‌نازند». (همان، ۵۵۳)

آقای کازاما خاطرات جالبی از ایران دارد. نقل می‌کند که در موقع سال نو ایرانیان، شاه مراسم سلام نوروزی برگزار می‌کرد که در آن همه صاحب‌منصبان از جمله دیپلمات‌های خارجی شرکت می‌کردند و شاه به همه آنها سکه طلای جدید هدیه

¹ Akio Kasama

می‌داد. در یکی از سلام‌های نوروزی، خانم هارت^۱، همسر وزیرمختار آمریکا که شوهرش در سفر بود و لذا نمی‌توانسته در مراسم شرکت کند، از کاژاما می‌خواهد که یک سکه طلا نیز برای او بگیرد. کاژاما می‌نویسد: «من از این کار خجالت می‌کشیدم اما با شرمندگی بسیار از افسر مأمور تشریفات، این خواهش را کردم. او خنده‌ای سر داد و یک سکه هم برای خانم هارت به من داد». (همان: ۵۵۸ - ۵۵۷)

کاژاما پس از مأموریت ایران، وزیرمختار ژاپن در لیسبون شد و سپس در سال ۱۹۴۳ در میانه جنگ اقیانوس آرام به فرمانداری نظامی - سیاسی ویتنام که به اشغال ژاپن درآمده بود، در هانوی منصوب شد. چند ماهی پیش از پایان گرفتن جنگ در آوریل ۱۹۴۵م. در حال بازگشت به ژاپن بود که کشتی او در غرب دریای چین هدف یک اژدرافکن آمریکایی قرار گرفت و به زیر آب رفت. (رجب‌زاده، ۱۳۸۶: ۸۱۱) در طول مأموریت آقای کاژاما در تهران، مهندسان و کارشناسانی در امر راه آهن و صنایع ماهیگیری از ژاپن به ایران دعوت شدند و ایران در قضیه منچوری با ژاپن همدلی نشان داد. (همان: ۵۵۴)

اما فرستاده دیگری که از ژاپن به ایران رفت، اگرچه ماهیت سیاسی و دیپلماتیک ندارد. اما مأموریت مهمی را به سرانجام رسانید. او ماسایوکی فوجی^۲ ثو^۳ خبرنگار روزنامه یومیوری^۳ ژاپن بود که در یکی از حساس‌ترین شرایط تاریخ ایران به نمایندگی از رسانه‌های ژاپن با مصدق نخست‌وزیر ایران، مصاحبه‌ای خصوصی انجام داد. زمان این سفر برای هر دو کشور ایران و ژاپن حائز اهمیت است. با اجرای پیمان صلح سانفرانسیسکو در ۲۸ آوریل ۱۹۵۲، به طور رسمی به اشغال ژاپن پس از تسلیم آن کشور در جنگ جهانی دوم، خاتمه داده شد و ژاپن مجدداً به عضو مستقل جامعه

¹ Heart

² Masayuki Fujio

³ Yomiuri Shimbun

بین‌الملل تبدیل شد. البته تجدید حیات اقتصادی ژاپن از همان سال‌های آخر اشغال نظامی آغاز شده بود. ژاپن که سودای کشورگشایی و سلطه‌طلبی نظامی آن در جنگ جهانی دوم به یک شکست حقارت‌آمیز منجر گردید، اکنون می‌آمد تا رؤیاهای خود را از طریق اقتصادی محقق سازد. معجزه اقتصادی ژاپن در راه بود و بدون تردید، این غول صنعتی جدید با تقاضای فزاینده نفت مواجه بود و به منابع مطمئن تأمین انرژی احتیاج داشت. از سوی دیگر، ایران نیز در شرایط دشوار ناشی از عکس‌العمل دولت انگلیس به ملی کردن نفت خود قرار گرفته بود. تحریم اقتصادی و محاصره دریایی انگلیس موجب شده بود که نفت ایران، خریداری نداشته باشد و از آنجا که ایران برای تأمین نیازهای خود به طور عمده به درآمد نفت وابسته بود، دولت با بحران جدی مالی مواجه بود.

در ۹ تیر ۱۳۳۱ / ۳۰ ژوئن ۱۹۵۲، در حالی که هنوز ژاپن در حال و هوای جشن و شادمانی برای پایان اشغال و به‌دست آوردن استقلال دوباره خود قرار داشت، فوجی نو برای مصاحبه وارد اتاق کار اقامتگاه نخست‌وزیر ایران می‌شود. پیش از این مصاحبه، او با اجازه مخصوص دولت ایران، موفق شده بود از پالایشگاه نفت آبادان دیدن کند. پالایشگاهی که با خروج تمامی متخصصان انگلیسی، اکنون چرخ‌های آن به‌دست کارشناسان ایرانی می‌گشت. همه مخازن پالایشگاه دارای نفت بود، اما در بندر هیچ نفتکشی برای بارگیری به چشم نمی‌خورد. شرکت نفت ایران و انگلیس^۱ در واکنش به ملی شدن نفت، همه شرکت‌های شش‌گانه بزرگ نفتی دنیا را با خود همدست کرده و بازار جهانی نفت را به روی ایران بسته بود.

فوجی نو، خبرنگاری معمولی نبود، کما اینکه بعدها، در سال ۱۹۸۱ م. به سمت وزیر کار ژاپن رسید. مصاحبه او نیز در شرایط عادی صورت نگرفت. پس از مصاحبه رسمی و

^۱ Anglo-Iranian Oil Company

در فرصت استراحت کوتاه، نخست‌وزیر ایران به خبرنگار ژاپنی می‌گوید: «شما [ژاپنی‌ها] نفت ایران را بخرید! به پنج یک قیمت جهانی و به هر مقدار که بخواهید می‌دهیم...» (رجب‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۰)^۱ در حقیقت، مصدق از طریق خبرنگار ژاپنی سعی می‌کند پیام خود را صریح و مستقیم به دولت ژاپن منتقل کند. لذا به فوجی نو تأکید می‌کند «مایل است که نتیجه این دیدار (مصاحبه مطبوعاتی) عملی شدن مذاکره برای معامله نفت باشد». (همان: ۸۲ - ۸۲) فوجی نو می‌گوید «مثل این بود که آقای مصدق نخست‌وزیر می‌خواهد همین حالا قرارداد معامله نفت امضا شود». (همان: ۸۰) او سپس در تحلیل این پیشنهاد معامله از سوی مصدق می‌نویسد: «برای ایران فقط ژاپن مانده بود که بتوان به آن نفت فروخت. شاید که مصدق نخست‌وزیر ایران، تصور می‌کرد که در اینجا نفوذ و قدرت انگلیس کمتر است و لازم هم نیست که محموله نفت از کانال سوئز (که زیر سیطره بریتانیاست) بگذرد و ژاپن یگانه طرف تجاری است که دولت ایران می‌تواند به آن اطمینان کند». (همان: ۸۱) و نتیجه می‌گیرد «اکنون تصور می‌کنم که این که امکان مصاحبه مخصوص و انفرادی برایم فراهم آوردند به مایه دوراندیشی و انتظار مصدق، نخست‌وزیر ایران بود که می‌خواست از طریق روزنامه ژاپنی، مضیقه و نیاز دولت ایران را با ژاپن مطرح و یاری و همکاری این دولت را جلب کند». (همان: ۸۲)

متعاقب مصاحبه فوجی نو، واسطه‌هایی بین دو دولت ایران و ژاپن فعال می‌شوند و تماس‌هایی برقرار می‌شود. در ماه می ۱۹۵۲، جلسه‌ای در منزل شوچیرو ایشی باشی^۲ مؤسس و رئیس شرکت تایرسازی بریجستون^۳ با حضور تاکایوکی یاماماتو^۴ معاون وزارت

^۱ این مقاله برگرفته‌ای است از: هوسوتانی، چیهیرو، «ایران در میان توفان» در پی نفت ایران: قضیه نیشومارو.

^۲ Shojiro Ishibashi

^۳ Bridgestone Corporation

^۴ Takayuki Yamamoto

بازرگانی خارجی و صنایع ژاپن،^۱ روسای چند کمپانی ژاپنی و نیز تاکئو فوکودا،^۲ از سیاستمداران برجسته ژاپن که بعدها به نخست‌وزیری رسید و شخصی به نام مرتضی خسروشاهی، بازرگان ایرانی مقیم نیویورک که از سوی مصدق برای مذاکرات پنهانی با مقامات ژاپنی ماموریت داشت، تشکیل می‌شود. (هوسوتانی، زیر چاپ: ۱۶) ایشی باشی به دنبال آن بود که شرکت نفتی بزرگی که بتواند تنه به کمپانی‌های بزرگ نفتی چندملیتی بزند، تأسیس کند و لذا به واردات نفت ایران، با توجه به شرایط زمانی، به عنوان یک فرصت نگاه می‌کرد. (همان: ۱۵) اما نتیجه جلسه آن می‌شود که کار خرید نفت از ایران را به شرکت ایده میتسو^۳، که در آن زمان هنوز شرکت کوچکی بود، واگذار کنند. (رجب‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۳) در ۲۶ بهمن ۱۳۳۱ / ۱۵ فوریه ۱۹۵۳، قرارداد خرید نفت بین نمایندگان ایده میتسو و دولت ایران امضا شد که براساس آن، ایده میتسو طی ۱۸ ماه پنج میلیون بشکه فرآورده‌های نفتی از ایران خریداری می‌کرد. (همان: ۸۴) برای حمل نفت ایران به ژاپن، رئیس شرکت ایده میتسو تصمیم گرفت که نفتکش متعلق به این شرکت به نام نیشومارو^۴ را اعزام کند.

در فروردین ۱۳۳۲ / آوریل ۱۹۵۳، نفتکش نیشومارو بندر آبادان را در حالی ترک کرد که در مخالفتی آشکار با بریتانیا اقدام به خرید و بارگیری نفت خام از ایران کرده بود. روز ۷ ماه می همان سال کمپانی انگلیسی، دادخواست صدور حکم توقیف محموله نفتکش ژاپنی را علیه ایده میتسو به دادگاه توکیو تسلیم کرد. دو روز بعد، نفتکش

^۱ Ministry of International Trade and Industry (MITI)

^۲ Takeo Fukuda

^۳ این کتاب توسط دکتر هاشم رجب‌زاده ترجمه شده، اما هنوز به زبور طبع آراسته نگردیده است. به لطف ایشان صفحاتی از ترجمه دست‌نویس در اختیار نگارنده قرار گرفت.

^۴ Idemitsu Kosan Co., Ltd.

^۵ Nissho Maru

نیشومارو به بندر یوکوهاما^۱ در ژاپن رسید و همان روز دادگاه مدنی توکیو درخواست شرکت نفت انگلیسی را برای توقیف این محموله رد کرد. (همان: ۸۵) نفتکش ژاپنی به زودی پس از تخلیه نفت خود، بار دیگر روانه آبادان شد. این کشتی تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد مجموعاً سه محموله نفت از ایران حمل کرد. (همان)

گفته شده است که ایده میتسو پس از این ماجرا به فشار دولت انگلیس، دچار محدودیت‌های ارزی شد. (فرمانفرمیان، ۱۳۷۸: ۵۰۵) با این حال چیهیرو هوسوتانی،^۲ استاد دانشگاه هیتوتسوباشی توکیو، که در قضیه نیشومارو و نفت ایران در آن سال‌ها تحقیق و بررسی کرده است، اعتقاد دارد دولت ژاپن با همه محافظه‌کاری و ملاحظاتی که نسبت به حکومت بریتانیا در آن نخستین ماه‌های اعاده استقلال ژاپن داشت، به شرکت ایده میتسو در خرید نفت ایران یاری داد. پیش از این، ذکر شد که یاماموتو معاون وزارت بازرگانی خارجی و صنایع ژاپن در مذاکرات پنهانی با فرستاده دولت ایران حضور داشته است. وی حتی گو^۳ رئیس روابط عمومی این وزارتخانه را که ضمناً داماد ایشی باشی هم بوده است را مامور می‌کند و می‌گوید که:

«قرار است فرستاده پنهانی مصدق نخست‌وزیر ایران، بیاید. چون من سمت رسمی و دولتی دارم نمی‌توانم از این فرستاده پنهانی استقبال کنم. خواهش دارم که تو این کار را به نحو احسن انجام دهی». (هوسوتانی، زیرچاپ: ۱۰)

بعدها هم که ایده میتسو، مأمور وارد کردن این نفت، «مسئله دار» می‌شود، وزارت بازرگانی خارجی و صنایع ژاپن اجازه می‌دهد تا آن شرکت مقصود خود را با مخفی‌کاری درخصوص مبدأ بازرگیری نفتکش پیش برد. هر چند که تحت فشار دیپلماتیک انگلیس

^۱ Yokohama

^۲ Chihiro Hosotani

^۳ Go'

دستورالعمل‌های خود را مصلحت‌اندیشانه تغییر داده و ذکر مبدأ کالا و محل بارگیری را در مورد درخواست واردات کالا از خارج اجباری کرد. (رجب‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۵)

رئیس ایده میتسو در آن زمان اسطوره‌ای به نام سازو ایده میتسو^۱ بود که به خوبی می‌دانست چه می‌کند. او با دولت ایران که خواهان شکستن سد دولت انگلیس برای عدم فروش مستقیم نفت ایران بود و به شدت به پول نقد آن احتیاج داشت، محرمانه قراردادی منعقد کرد که براساس آن نفت خام ایران را تقریباً سی درصد ارزان‌تر از قیمت بازار خریداری می‌کرد. اما این، همه ماجرا نبود. با این کار و با قرار گرفتن در کنار ایران، او به ژاپن که از یک جنگ ویرانگر و هفت سال اشغال توسط آمریکا بیرون آمده بود، نوعی حس افتخار داد. (Azimi, 2010: 6) این واقعه احساسات ملی‌گرایانه مردم ژاپن را در زمانی که باری دیگر به استقلال خود دست یافته بودند، به شدت برانگیخت. (Funabashi, 2003)

کاری که ایده میتسو کرده بود، در هر دو کشور مورد استقبال فراوان مردم واقع شد. در یک انبار سابق در شهر بندری مچی^۲ در جزیره کیوشو^۳ جایی که ایده میتسو متولد شد، نمایشگاهی است که در آن تصاویر و فیلم‌هایی از جریان نفتکش نیشومارو قرار داده شده است. از جمله تصاویر موجود در این نمایشگاه عکس‌های سیاه و سفید از ایرانیانی است که در حال دست تکان دادن و هورا کشیدن برای نفتکش در زمان حرکت آن از بندر آبادان هستند و ژاپنی‌های بشاشی که در زمان ورود آن به ژاپن با هیاهوی زیاد به پیشواز آمده‌اند. (Azimi, 2010: 6)

بسیاری معتقدند که ستاره اقبال شرکت ایده میتسو که هم‌اکنون از شرکت‌های نفتی عمده ژاپن به شمار می‌رود از کار شجاعانه‌ای که با وارد کردن نفت از ایران صورت

¹ Sazo Idemitsu

² Moji

³ Kyushu

داد، درخشیدن گرفت. (رجب‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۸) رئیس شرکت ایده میتسو می‌گوید: «از منابع گوناگون شنیدم که انگلیسی‌ها (با همه تهدیدات‌شان) کشتی را غرق نخواهند کرد و فقط احتمال توقیف آن می‌رود و در این وضع، تلفات جانی به بار نمی‌آید ... نتیجه این می‌شود که احساس همبستگی با ایران به وجود می‌آید و پیوند این میدان نفت‌خیز و ژاپن به کمال (استحکام) می‌رسد. و فکر کردم که با این دستاورد، خطر کردن خوب می‌ارزد». (همان: ۸۴) ایده میتسو با این کار بازاری برای خود در ایران پیدا کرد که پس از دهه‌ها هنوز پررونق است. سال ۱۹۵۳ م. و «واقعه نیشومارو» به عنوان یک مقطع مهم در تاریخ آن شرکت ثبت شده است.^۱ امروز ایران کماکان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی نفت ژاپن به شمار می‌رود.^۲

و بالاخره، در پایان این نوشتار بی‌مناسبت نیست که از آخرین فرستاده دولت ژاپن که به ایران رفته است نیز یاد کنیم. آقای هیروفومی ناکاسونه^۳ وزیر خارجه ژاپن طی سال‌های ۲۰۰۸-۹ م، در اردیبهشت ۱۳۸۸ / می ۲۰۰۹ به تهران سفر می‌کند و ضمن تسلیم پیام کتبی آقای تارو آسو^۴ نخست‌وزیر وقت ژاپن به رئیس‌جمهور ایران، با جناب آقای احمدی‌نژاد به دیدار و گفتگو می‌پردازد. اهمیت این دیدار از آن جهت است که پس از یک وقفه پنج ساله و در اوج فشارهای آمریکا و سایر دولت‌های غربی در موضوع هسته‌ای ایران صورت گرفت. در این دیدار رئیس‌جمهور ایران گفت: «روابط دو کشور ما همواره دوستانه بوده است. اصول و ویژگی‌های دو تمدن ایران و ژاپن مشابهت دارد. ایران و ژاپن به دلیل ویژگی‌های فرهنگی خود می‌توانند نقش ارزنده‌ای در تحولات جهانی و در برقراری یک نظم عادلانه و انسانی جدید ایفاء کنند. ما معتقدیم مسائل

^۱ www.idemitsu.com/company/history.html

^۲ تقریباً ۱۲ درصد از کل واردات نفت ژاپن در سال ۲۰۰۹ از ایران صورت گرفته است.

^۳ Hirofumi Nakasone

^۴ Taro Aso

جهان باید از طریق گفتگو و بر پایه احترام و عدالت حل گردد. ما علاقمند به توسعه روابط و تعمیق هر چه بیشتر دوستی دو ملت هستیم و برای توسعه روابط خود با ژاپن هیچ محدودیتی نداریم. به جناب آقای آسو نخست‌وزیر محترم ژاپن و به ملت ژاپن سلام مرا برسانید»^۱.

گفته‌های رئیس‌جمهور ایران، بیان یک واقعیت هزار ساله در روابط دو ملت و یک حقیقت حداقل صد و سی ساله در روابط سیاسی مدرن دو کشور است. در ابتدا شاید تصور سنتی از احیای جاده ابریشم به نظر متبادر گردد. اما از نوع مذاکره ماساهارو و پرسش‌های شاه ایران و تفحص‌های علی‌اصغر خان اتابک و گفتگوهای او با امپراتور و مقامات ژاپنی بر می‌آید که حاکمان وقت ایرانی از همان ابتدا، هنگامی که از توانایی فنی ژاپنی‌ها جويا می‌شوند، دیگر تنها به فکر تجارت خارجی با ژاپن و احیای کاروان‌های جاده ابریشم نیستند، بلکه به نوعی، مسیر انتقال تکنولوژی آینده خود را مورد بررسی قرار می‌دهند. از سوی دیگر برای حاکمان ژاپنی، ایران فقط تأمین‌کننده نفت یا مقصدی برای کالاها و فناوری‌های ژاپن نبوده است، بلکه می‌توانسته است شریک و همکار مناسبی برای ژاپن در قلب منطقه حساس و پراهمیت خاورمیانه محسوب گردد. با این پیشینه صد و سی ساله و با این نگاه ثابت و انگیزه قوی، پرسش این است که چرا امروز نقش ژاپن در توسعه تکنولوژی و صنعت ایران برجسته نیست؟ شاید بازکاوی آسیب‌شناسانه مناسبات صد سال اخیر ایران و ژاپن بتواند به رمزگشایی این معما بیانجامد. امید است مقاله حاضر سهم اندکی در آغاز چنین مطالعاتی ایفاء کرده باشد.

^۱ نگارنده شخصاً در این دیدار حضور داشته است و نکات آورده شده از رئیس‌جمهور نقل به مضمون از شنیده‌ها و دست‌نوشته‌های شخصی خود است.

منابع

فارسی:

رجب‌زاده، هاشم (۱۳۸۶)، نگاهی به تاریخ و زمینه ایران‌شناسی در ژاپن و ایران و خاورمیانه از نگاه ژاپنی‌ها در جستارهای ژاپنی در قلمرو ایران‌شناسی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

_____ (۱۳۶۵)، تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر، ناشر مؤلف.

_____، ژاپنی که مخبرالسلطنه هدایت دید، مجله ایران‌شناسی (تابستان ۱۳۶۸)، سال اول، ش ۲.

_____، ژاپن از نگاه مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه)، کتاب پاز (شهریور ۱۳۷۰)، ش ۲.

_____، بحران پس از ملی کردن نفت ایران تا کودتا به روایت ژاپنی‌ها، مجله ایران‌شناسی (بهار ۱۳۸۸)، سال ۲۱، ش ۱.

فرمانفرمائیان، منوچهر (۱۳۷۸)، از تهران تا کاراکاس؛ نفت و سیاست در ایران، تهران: نشر تاریخ ایران.

کازاما، کی‌ئو (۱۳۸۶)، آغاز مأموریت در ایران در جستارهای ژاپنی در قلمرو ایران‌شناسی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳)، سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه: هاشم رجب‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.

هدایت، مهدیقلی (بی‌تا)، سفرنامه تشریف به مکه معظمه از طریق چین - ژاپن - آمریکا، تهران: چاپخانه مجلس.

هوسوتانی، چیهیرو، در پی نفت ایران: قضیه تیشو مارو (زیر چاپ).

انگلیسی:

Kondo, Nabuaki, **diplomatic and commercial relations with iran**
Encyclo paedia iranica fascicle 5, P 55.

Azimi, Nasrin, **Japan's Iran Moment**, International Herald Tribune,
February 18, 2010, p.6.

Funabashi, Yoichi, **Japan mustn't lose its footing in politics of oil**,
Asahi Shimbun, 7 July 2003.

www.idemitsu.com/company/history.htm.